

فرهنگ ناشنوایان

امیرعباس ابراهیمی / کارشناس ارشد شنوایی شناسی / آموزشگاه باغچه بان شماره ۶ تهران

چکیده

بسیاری از ناشنوایان ترجیح می دهند عضوی از جامعه‌ی ناشنوایان باشند. "ناشنوایان" احساس می کنند ناشنوایی یک اختلال نیست بلکه یک تفاوت فرهنگی و زیست شناختی است. آنها ناشنوایی شان را به عنوان عامل منفی یا ناتوانی نمی بینند. آنها خود را فقط در روش ارتباطی متفاوت می بینند و احساس می کنند گرچه توانایی شنوایی شان محدود است به دلیل این که به طور موقفی با دیگر "ناشنوایان" ارتباط برقرار می کنند، معلول نیستند. بنابراین، تفاوت عمده‌ی آنها با جامعه‌ی شنوا، فرهنگی است. در مقابل، اغلب شنوایی شناسان ناشنوایی را به عنوان ناتوانی یا بیماری در نظر می گیرند که باید جامعه‌ی شنوا آن را درمان کند. فرهنگ ناشنوایان^۲، شنوایی شناس را به عنوان فرد شنوایی در نظر می گیرد که با تبلیغ به استفاده از سمعک یا کاشتینه‌های حلزونی^۳ و یادگیری تولید گفتار و استفاده از روش ارتباطی شفاهی برای تغییر کودکان ناشنوا تلاش می کند. "ناشنوایان" این عملکردها را به عنوان تلاش‌های نامناسب برای تغییر یا محدود کردن فرهنگشان در نظر می گیرند.

جامعه‌ی ناشنوایان

پس از پی بردن به این موضوع که زبان اشاره‌ی آمریکایی (ASL)^۴ زبانی واقعی و مجزا است و تمام ویژگی‌های یک زبان واقعی همچون گویش، زبان

عامیانه، وام گیری از دیگر زبان‌ها و ... را دارد و تنها برگردان اشاره‌ای زبان انگلیسی نیست^۵ مفهوم فرهنگ ناشنوایان شکل گرفت. تقریباً ۲ میلیون تن در ایالات متحده دارای کم شنوایی عمیق هستند و از سمعک سودی نمی برند (ناشنوایی شنوایی شناختی). این افراد خود را عضوی از جامعه‌ی ناشنوایان (ناشنوای فرهنگی) می دانند. در اصطلاح فرهنگی اجتماعی، جامعه‌ی ناشنوایان^۶ دارای زبان مشترک (ASL) و فرهنگ مشترک (فرهنگ ناشنوایان) است. وضعیت شنوایی-شناختی تنها یک معیار عضویت در جامعه‌ی ناشنوایان است و ویژگی‌ها و رفتارهای فرهنگی نیز در این عضویت مؤثرند.

جامعه‌ی ناشنوایان افراد ناشنوایی که با یکدیگر زندگی و کار می کنند را شامل شود. همچنین ممکن است افراد شنوایی و افرادی که با آنها در جامعه عجین شده‌اند و با آنها در یک مکان خاص در ارتباط هستند را در بر بگیرد. از این رو، آموزگاران، مشاوران، و همسران افراد ناشنوا که خود ناشنوا نیستند اما فعالانه از هدف-های جامعه پشتیبانی می کنند و با دیگر ناشنوایان جهت رسیدن به آنها کار می کنند می توانند اعضای افتخاری این جامعه باشند.

فرهنگ ناشنوایان

هر فرهنگ قومی / نژادی دارای زبان، فرهنگ عامیانه، مذهب، کتاب مقدس، آداب اجتماعی،

آمریکایی، فرهنگ ناشنویان دارای ویژگی‌های ارزشی دیگری نیز هست. برای نمونه، اگرچه بسیاری از افراد ناشنوا از گفتار هنگام ارتباط با افراد دارای شنوایی بهنجار استفاده می‌کنند، فرهنگ ناشنویان بهای زیادی به گفتار نمی‌دهد و در حقیقت حرف زدن را هنگام اشاره کردن رفتار مناسبی نمی‌داند.

افراد ناشنوا معمولاً (و نه همیشه) گرایش به ازدواج با دیگر افراد ناشنوا دارند و ترجیح می‌دهند کودکانی ناشنوا همچون خود داشته باشند. ارتباطات در جامعه‌ی ناشنویان معمولاً همیشگی است و افراد ناشنوا نوعاً دوستی‌های دوران کودکی خود را حفظ می‌کنند.

نشست و برخاست با دیگر ناشنویان دیگر ارزش فرهنگی است. فعالیت‌های اجتماعی و گردهمایی‌های مهم حفظ تماس، ارتباط، و تعامل با دیگر اعضای این فرهنگ است. از آنجا که اعضای جامعه‌ی ناشنویان در سراسر جامعه پراکنده‌اند تمایلی برای سازمان‌دهی این افراد در کنار هم وجود دارد. در فرهنگ ناشنویان ارزش بالایی برای سازمان‌دهی افراد ناشنوا وجود دارد. برای نمونه، انجمن‌های ناشنویان سازمانی‌های مردم نهادی هستند که با فرهنگ ناشنویان ارتباط تنگاتنگی دارند.

ویژگی منحصر به فرد فرهنگ ناشنویان ارزش بالایی است که بزرگسالان ناشنوا برای کودکان ناشنوا قائل هستند. در بین بزرگسالان ناشنوا، حسی از خویشاوندی و همدلی برای نسل‌های آینده وجود دارد به گونه‌ای که بزرگسالان در قبال کودکان حتی وقتی نسبت خویشاوندی با آنها ندارند احساس مسئولیت می‌کنند. این ارزش در فرهنگ شنوایان دارای چنین اهمیتی نیست. بزرگسالان شنوا در قبال فرزندان و اعضای خانواده‌ی خود مسئولیت پذیرند اما در قبال

محدوده‌ی جغرافیایی، شیوه‌ی لباس پوشیدن، غذا، مؤسسات ورزشی، اجتماعی، سرگرمی و مدارس مجزا است و از والدین به فرزندان انتقال پیدا می‌کند. فرهنگ ناشنویان شامل، زبان، ارزش‌ها، رفتارها، و سنت‌های افراد ناشنوا است و تنها دارای برخی از معیارهای یک فرهنگ کامل و نه همه‌ی آن است. برای نمونه، لباس زبان مختصر و روشی برای ارتباط است. روشی که هویت فرد، ارزش‌ها و وفاداری به نظام باور خاصی را می‌رساند. پوشیدن یک لباس متمایز، بی‌درنگ مشخص می‌کند فرد به جامعه یا زیرگروه نژادی یا مذهبی خاصی تعلق دارد. جزئیات لباس حتی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی رهبر مذهبی، کتاب مقدس، و ... پوشاننده‌ی آن باشد. در حالی که طرز لباس پوشیدن ناشنویان تفاوتی با دیگران ندارد.

شاید زبان مشترک اعضای یک اقلیت فرهنگی مهمترین ویژگی شناسایی آن فرهنگ باشد. بنابراین، زبان اشاره‌ی آمریکایی مهم‌ترین ویژگی مشخصه‌ی مرتبط با فرهنگ ناشنویان است. افراد ناشنوا زبان اشاره‌ی آمریکایی را به عنوان زبان انحصاری پذیرفته و تحسین می‌کنند و به فرهنگ ناشنویان می‌بالند. بیشتر این افراد خود را بخشی از جامعه‌ی ناشنویان می‌دانند و در فعالیت‌ها و باشگاه‌های آن فعال هستند، در نمایش‌های ناشنویان حضور می‌یابند و باور دارند آموختن فرهنگشان مهم است. البته، تمام افراد دارای آسیب شنوایی خود را بخشی از فرهنگ ناشنویان نمی‌دانند و گوناگونی‌هایی در مقدار این مسئله وجود دارد. تقریباً ۵٪ ناشنویان والدین ناشنوا دارند و ASL را به عنوان زبان طبیعی می‌آموزند. بقیه‌ی کودکان اغلب در مدارس شبانه‌روزی ناشنویان با فرهنگ ناشنویان همگون می‌شوند. علاوه بر استفاده و ارزش بالای زبان اشاره‌ی



نسل آینده کودکان، در کل خیلی احساس مسئولیت نمی‌کنند.

آمریکا، و کشورهای اسکاندیناوی (نروژ، فلاند، دانمارک، سوئد، و ایسلند) کشورهایی هستند که فرهنگ ناشنویان به طور فزاینده در آنها به رسمیت شناخته شده است.

تضاد فرهنگی

هر گاه دو فرهنگ وجود داشته باشد تضاد فرهنگی رخ می‌دهد. تضاد فرهنگی به این معنا نیست که یک فرهنگ درست و دیگری نادرست است. تفاوت فرهنگی درست یا نادرست نیست بلکه خیلی ساده وجود دارد. اغلب، موضوع تضاد فرهنگی بین فرهنگ اقلیت ناشنویان و فرهنگ اکثریت شنوایان استفاده از گفتار از سوی افراد ناشنوا است چون افراد ناشنوا و افراد شنوا ارزش متفاوتی برای گفتار قائل هستند. نمونه‌های دیگر تضاد فرهنگی رفتارهایی است که در یک فرهنگ مناسب و دلخواه اما در فرهنگ دیگر نامناسب تلقی می‌شوند. مثلاً، اشاره کردن با انگشت، یا نگاه خیره‌ی طولانی که در ASL رفتارهایی مناسب و در فرهنگ افراد شنوا نامناسب هستند.

استفاده از واژه‌ی ناشنوا نیز منبع بالقوه‌ی کشمکش است. بیشتر افراد شنوا برای توصیف شدت افت شنوایی از این واژه استفاده می‌کنند در حالی که در فرهنگ ناشنویان بیانگر احساس نزدیکی با افراد ناشنوا و فرهنگ آنها است و شدت افت شنوایی برای تعلق داشتن به این فرهنگ دارای اهمیت نیست. افراد ناشنوا کاربرد واژه‌ی آسیب دیده‌ی شنوایی را توهین آمیز و گمراه کننده می‌دانند چون از نظر آنها واژه‌ی آسیب دیده دارای بار منفی است.

با وجود این، مفهوم فرهنگ ناشنویان علی‌رغم تازه بودن به سرعت مورد پذیرش قرار گرفته و جامعه‌ی آمریکا اهمیت فرهنگ گروه اقلیت و هویت فرهنگی را با رشد برنامه‌های آموزش دو زبانی / دو فرهنگی برای کودکانی که در خانه‌شان به زبان انگلیسی صحبت نمی‌شود و با بالا بردن آموزش چند فرهنگی برای تمام کودکان بازشناسی و تأیید نموده است.

هویت فرهنگی

برای تمام انسان‌ها مبارزه برای هویت‌یابی مهم است. ما نه تنها خود را به عنوان یک فرد بلکه به عنوان عضوی از یک گروه، خانواده، گروه‌های نژادی، عضوی از یک سازمان یا باشگاه تعریف می‌کنیم. هویت‌یابی از اوان کودکی آغاز می‌شود و در سراسر زندگی ادامه می‌یابد. از لحظه‌ای که نوپا تشخیص می‌دهد فردی جدا و نه بخشی از والدینش است، تعریف دقیق اینکه چه کسی هست در او آغاز می‌شود.

هویت فرهنگی مهم و منبع افتخار است. با وجود این، والدین شنوا اغلب به این دلیل که تجربه‌ای از فرهنگ ناشنویان ندارند در موقعیت دشواری قرار دارند و ممکن است در توانا ساختن کودک برای تجربه‌ی این فرهنگ

را انتخاب کرده و مسئولیت آن را پذیرفته از دید روان‌شناختی سالم است.

شنوای فرهنگی^{۱۱} (همگونی فرهنگی^{۱۱})

فردی که از لحاظ فرهنگی شنوا است تنها با فرهنگ اکثریت احساس راحتی و نزدیکی می‌کند. افرادی که از نظر فرهنگی شنوا هستند ناشنوایی را کاستی، نقص، یا معلولیت می‌دانند، ارزش زیادی را به مهارت‌های ارتباط کلامی (گفتار، گفتارخوانی، و شنوایی) می‌دهند و بیشتر احتمال دارد از سمعک استفاده کنند، به جستجوی درمان‌های تازه‌ی ناشنوایی (همچون کاشت حلزونی و پیشینه کردن استفاده از باقیمانده‌ی شنوایی) باشند. آنها بیشتر احتمال دارد سخت کار کنند تا مهارت‌های کلامی را فرا گرفته و حفظ کنند. این هویت نیز تا وقتی فرد آن را انتخاب کرده و مسئولیت آن را پذیرفته به لحاظ روان‌شناختی سالم است.

دو فرهنگی

فرد دو فرهنگی^{۱۲} با هر دو فرهنگ احساس نزدیکی می‌کند و می‌تواند عملکرد موفقیت‌آمیزی در هر دو فرهنگ داشته باشد. برای فرهنگ ناشنوایان ارزش قائل است، به آن احترام می‌گذارد و از آن لذت می‌برد اما، به ارزش‌های مردم ناشنوا نیز احترام می‌گذارد. چنین فردی احتمالاً از گفتار و سمعک استفاده می‌کند و در به کارگیری زبان اشاره نیز ورزیده است، و ممکن است یکی از دو فرهنگ را بر دیگری ترجیح دهد اما در هر دو فرهنگ احساس راحتی می‌کند. فرد دو فرهنگی احساس معلولیت یا کاستی نمی‌کند. بلکه با آگاهی از دو زبان و دو فرهنگ احساس توانایی می‌کند. بنابراین، این هویت نیز به لحاظ روان‌شناختی سالم است.

احساس عدم کفایت کنند. هر چه بیشتر درباره‌ی فرهنگ ناشنوایان بدانید به آن بیشتر ارجح خواهید نهاد و درباره‌ی مشارکت و شناسایی این فرهنگ انتخاب‌هایی خواهید داشت. همچنان که درباره‌ی فرهنگ ناشنوایان بیشتر می‌آموزید ممکن است بخواهید سیاهه‌ای از سازمان‌ها و انجمن‌های ناشنوایان را یافته و دریابید چه رویدادهای فرهنگی در جامعه یا صدا و سیما درباره‌ی ناشنوایان در جریان است و اطلاعات و مواد بیشتری درباره‌ی فرهنگ ناشنوایان به دست آورید. هر چه درباره‌ی فرهنگ ناشنوایان بیشتر می‌آموزید زندگیتان پر بارتر می‌شود و بیشتر می‌توانید به کودک خود کمک کنید به بودن خود بی‌بالد و هویت مثبتی انتخاب کند.

هویت‌یابی فرهنگی روندی طولانی است و لازم است فرد، دارای تجربه و فرصت‌هایی برای سبک و سنگین کردن انتخاب‌های مختلف باشد. چهار هویت اصلی برای افراد ناشنوا که با سهیم شدن آنها در فرهنگ شنوایان و ناشنوایان و شناسایی این فرهنگ‌ها مرتبط است در زیر آمده است.^۷

ناشنوای فرهنگی^۸ (جدایی فرهنگی^۹)

فردی که از لحاظ فرهنگی ناشنوا است تنها با فرهنگ اقلیت ناشنوایان احساس نزدیکی می‌کند. افرادی که به لحاظ فرهنگی ناشنوا هستند به ناشنوایی به عنوان تفاوت و نه نقص می‌نگرند. برای بسیاری ناشنوایی موهبت و زبان اشاره افتخارآمیز است. افرادی که به لحاظ فرهنگی ناشنوا هستند خود را معلول نمی‌پندارند، بلکه خود را عضوی از گروه اقلیتی می‌دانند که به زبان دیگری صحبت می‌کنند و دارای فرهنگ مخصوص به خود هستند. این هویت وقتی فرد آن

میان فرهنگی^{۱۳}

بهترین گزینه را خود انتخاب کند، انتخابی که ممکن است با انتخاب آنها متفاوت باشد. والدین باید بدانند انتخاب فرزندشان بخش طبیعی و بهنجار بزرگ شدن است و به معنای طرد کردن آنها یا ارزش‌های آنها نیست.

به عنوان پدر و مادر مهم است بدانید هویت فرهنگی نیاز اساسی هر انسان و بخش مهمی از هویت هر فرد از جمله کودکان ناشنوا است و کودکان ناشنوا به لحاظ رشد و تکامل تفاوتی با دیگران ندارند. کودکان ناشنوا همچنان که گزینه‌های هویت را سبک و سنگین و کشف می‌کنند و سرانجام به هویت شخصی و عزت نفس طبیعی می‌رسند، ممکن است از فرهنگ ناشنویان سود زیادی ببرند. کودکان بیشتر هویت را بعدها در زندگی کشف خواهند کرد (به‌ویژه در دوران نوجوانی). با وجود این، دانستن، ارج نهادن و شرکت در فرهنگ ناشنویان (به صورت مناسب) شما را بعدها برای کمک به کودکان برای یادگیری درباره‌ی ارج نهادن به این فرهنگ و انتخاب هویت مثبت در زندگی کمک می‌کند.

از لحاظ تاریخی اکثریت شنوایان اقلیت ناشنوا را کنترل و سرکوب کرده‌اند. برای نمونه، از همان زمان که در سده‌ی هفدهم در اروپا افراد گنگ را از نظر ذهنی ناقص می‌دانستند و به آنها اجازه نمی‌دادند ملک یا دارایی را نگهداشته یا به ارث ببرند، تلاش برای همگون‌سازی افراد ناشنوا با فرهنگ اکثریت با تلاش برای آموزش آنها برای صحبت کردن به لحاظ تاریخی با پول یا سیاست آمیخته شد.

آموزگاران و دیگر متخصصان مرتبط با ناشنویان بر ناشنویان به عنوان ناتوانی یا نقص تمرکز می‌کردند اما امروزه درک و آگاهی رو به رشدی از معنای فرهنگ و

فرد ناشنویی که از لحاظ فرهنگی بینابینی است خود را به طور کامل متعلق به هیچ فرهنگی نمی‌داند. او بین دو جهان که یکی به ناشنویی به عنوان سرمایه و دیگری به عنوان کاستی می‌نگرد گیر افتاده است. چنین فردی حس نمی‌کند با زبان اشاره یا زبان شفاهی توانا شده و ممکن است در برقراری ارتباط در هر دو زبان مشکل داشته باشد. او دچار حس دودلی، گیجی، چندگانگی در هویت، و وابستگی به هر دو فرهنگ است. زبان او بازدارنده و نه توانا کننده است. فرد ناشنوی میان-فرهنگی احتمالاً دارای عزت نفس پایین، مشکلات اجتماعی و تحصیلی در مدرسه، و انزوای اجتماعی یا گوشه‌گیری است و ممکن است تا بزرگسالی به سازگاری با مشکلات روان‌شناختی ادامه دهد. میان فرهنگی یا تعلق نداشتن به هر فرهنگ به لحاظ روان-شناختی سالم نیست.

فردی که از لحاظ فرهنگی

ناشنوا است تنها با فرهنگ اقلیت ناشنویان

احساس نزدیکی می‌کند

از چهار هویت فرهنگی سه گزینه به لحاظ روان‌شناختی سالم هستند. با وجود این، برای افراد دارای ناشنویی بهترین انتخاب وجود ندارد. میان فرهنگی بودن سالم نیست. هم اینک گرایش به دو زبانگی نتیجه‌ی بسیار مطلوبی است و ممکن است رسیدن به آن مناسب‌ترین هدف والدین و آموزگاران باشد، اما والدین و آموزگاران باید بدانند که هر کودک ناشنوا باید



شکل ۱: کینگ جردن نخستین رئیس ناشنوای دانشگاه گالودت و نماد فرهنگ و دفاع از ناشنوایان.

غرور ناشنوایان^{۱۴} وجود دارد و جامعه‌ی ناشنوایان به عنوان یک گروه مدافع دیده می‌شود. شاید چشمگیرترین رویداد دهه‌ی گذشته، جنبش "اینک رئیس ناشنوا"^{۱۵} باشد که جامعه‌ی ناشنوایان را تحریک کرد و اعتراض دانشجویان دانشگاه گالودت^{۱۶} را در سال ۱۹۸۸ م. به دلیل انتصاب فردی شنوا به ریاست دانشگاه موجب شد. پس از اعتراض دانشجویان ناشنوا و جامعه‌ی ناشنوایان پردیس را بستند و به سوی کنگره‌ی ملی راهپیمایی کردند و خواهان ریاست یک ناشنوا بر دانشگاه شدند.

رئیس تازه منصوب شده (که اشاره نمی‌دانست) استعفاء داد و کینگ جردن^{۱۷} نخستین رئیس کالج ناشنوایان گالودت شد (شکل ۱). در سال ۱۹۹۴ م. نیز در تنها مدرسه‌ی روزانه‌ی دولتی شهر نیویورک^{۱۸} به دلیل انتصاب مدیرعاملی شنوا بدون تأیید جامعه‌ی ناشنوایان تظاهرات مشابهی رخ داد.

همچنان که ناشنوایان به دنبال بازشناسی خود به عنوان یک گروه اقلیت فرهنگی و زبانی (و نه گروه دارای ناتوانی) هستند برای والدین شنوا و متخصصان درک این کشمکش و ارزیابی دوباره‌ی نگرش خود نسبت به ناشنوایی بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند.

شنوایی‌شناسان هنگام انتخاب روش ارتباطی مناسب برای کودک باید به اختلاف‌های فلسفی بین جامعه‌ی شنوا و جامعه‌ی ناشنوایان ارج نهند و به آن احترام بگذارند. آنها باید فرهنگ ناشنوایان را بفهمند و بپذیرند، و بیاموزند چگونه به طور موفقیت‌آمیزی با جامعه‌ی ناشنوایان تعامل کنند. آنها باید با داشتن دید مثبت نسبت به فرهنگ ناشنوایان و صادق بودن درباره‌ی پیش‌بینی مدیریت موفق ناشنوایی، مشاوره‌ی درست و قابل قبولی به والدین ارائه کنند. همچنین باید بپذیرند بین فرهنگ ناشنوایان و افراد شنوا اختلافاتی وجود دارد و برخی (نه همه) اعضای فرهنگ ناشنوایان از سمعک و کاشتیته‌های حلزونی سودمند می‌برند.

زیر نویس‌ها:

1. Deaf
2. Deaf Culture
3. Cochlear Implants
4. American Sign Language
5. Dr. William Stokoe (1960)
6. Deaf Community
7. Glickman (1986)
8. Culturally Deaf

- | | |
|----------------------------|------------------------|
| 9. Culturally Separate | 14. Deaf Pride |
| 10. Culturally Hearing | 15. Deaf President Now |
| 11. Culturally Assimilated | 16. Gallaudet |
| ¹² . Bicultural | 17. King Jordan |
| 13. Culturally Marginal | 18. Lexington Center |

منابع:

What is Deaf Culture:Comparative chart: Deaf and ethnic cultures. Available at:

http://www.deafculture.com/ethnic_culture/

Deaf culture. Available at: [http:// Deaf culture - encyclopedia article about Deaf culture. htm.](http://Deaf_culture_-_encyclopedia_article_about_Deaf_culture.htm)

Hipskind N.(2002). Visual Stimuli in communication. In R.Schow, M.Nerbonne (Eds). *Introduction to Aural Rehabilitation*. (4th ed). Allyn & Bacon.

Mendal L.(1997). Children & Adolescents with Hearing Impairment & their Parents. In T.A.Crowe (Ed). *Application of Counseling in Speech- Language Pathology & Audiology*. Williams & Wilkins.

Smith D.D. (2001). *Introduction to special Education: Teaching in an Age of Opportunity*. (4th ed). Chapter 10. Allyn & Bacon.

Watkins S., Clark T. (1993). Ski*-HI Model: A Resourse Manual:Family-Centered Home-Based Program for Infants, Toddlers & School Aged Children with Hearing Impairment.